



گفت‌وگو با دبیران هنر
استان یزد (قسمت دوم)

هنر درک‌ویر

هیئت تحریریه رشد آموزش هنر

اشاره

در بخش اول میزگرد دبیران هنر یزد مطالب ارزنده‌ای به توسط تنی چند از دبیران هنر ارائه شد. در این بخش اظهار نظر دبیران هنر را در موضوعات مطرح شده خواهیم خواند. از خانم مهرآوران، سرگروه هنر استان یزد، به خاطر همراهی و هماهنگی در برگزاری مطلوب میزگرد تشکر می‌شود.

لطفاً خودتان را معرفی کنید

سعید زندی مقدم سعید زندی مقدم هستم و از سال ۸۱ در هنرستان تدریس می‌کنم. قبلاً جسته‌وگریخته به‌عنوان حق‌التدریس در راهنمایی هم آموزش می‌دادم. البته کتاب‌های جدید را نتوانستم تدریس کنم. آن وقت‌ها هنوز کتاب‌ها عوض نشده بودند.

با محتوای سال دهم چه اندازه آشنا شده‌اید؟

تا حدودی؛ این کتاب چاپ اول است و خیلی جای کار دارد؛ با اینکه خیلی هم روی آن کار شده و انواع مختلف هنر در آن مطرح شده است. آن زمان که من راهنمایی تدریس می‌کردم کتاب فقط بخش خوشنویسی و طراحی و نقاشی داشت. کتاب‌های جدید بازتر است و بهتر می‌توان با آن‌ها کار کرد. قرار هم نیست دانش‌آموزی که یک یا دو ساعت سر کلاس می‌رود هنرمند بیرون بیاید، ولی باید با هنرهای مختلف آشنا شود.

ما در هنرستان انیمیشن و گرافیک هم داریم. معماری هم جزو رشته‌های هنری محسوب می‌شود. ما امسال خیلی خوب جذب داشتیم. کسانی می‌آمدند که به رشته آشنا بودند. هر سال برای رشته گرافیک و انیمیشن با کمبود داوطلب روبه‌رو می‌شدیم ولی امسال این رشته‌ها زودتر پر شد. این به نسبت رشته‌های حسابداری و معماری است که همواره خواهان بیشتری داشت.

این نشان می‌دهد که سال‌های قبل خوب با دانش‌آموزان کار شده است. اگر با این روال پیش رود و در دوره متوسطه اول بچه‌ها هنرهای موجود را خوب بشناسند و بدانند و با فکر انتخاب کنند خیلی کارهای ما در بحث تخصصی راحت‌تر است.

برداشت من از صحبت‌های شما این است که یکی از برکات کتاب‌های جدید این است که بچه‌ها گزینه بهتری برای ورود به رشته‌های هنری پیدا کرده‌اند.

سعید زندی مقدم بله می‌توان چنین برداشت کرد.

بعضی از معلمان می‌گویند مشکل ما در متوسطه اول این است که بچه‌ها در دوره ابتدایی با هنر آشنا نمی‌شوند و زیاد با آن‌ها کار نمی‌شود. این امر آن‌ها را برای تدریس شما خودتان در دبیرستان چه تدریس می‌کنید؟

سعید زندی مقدم من تا سال قبل گرافیک تدریس می‌کردم و امسال در مدیریت هستم. سال‌های گذشته خدمت دوستان در گروه‌های آموزشی بودم، سرگروه رشته‌های گرافیک و انیمیشن و نقاشی بودم. امسال زحمت این کار به گردن خانم روشن‌نژاد افتاده است. البته ایشان هم خودشان دوباره مدیر اجرایی شدند. نکته‌ای که همکاران درباره خلاقیت دبیر سر کلاس گفتند بسیار مهم است و کاری که خانم ابراهیمی کرده‌اند کار فوق‌العاده‌ای است. من به این نتیجه رسیده‌ام که خلاقیت معلم تأثیرگذار است. قبلاً هم خودمان به یک شکلی در هنرستان خیلی تلاش می‌کردیم این کار را انجام دهیم.

چند تجربه در تدریس عکاسی داشتیم. یکی از کارهایی که هم در دانشگاه و هم در متوسطه انجام دادیم و اخیراً هم خوب جواب گرفتیم این بود که ژورنال‌های آخر سال را در نمایشگاه بیرون شهر باید انجام می‌دادیم. پروژه پایانی که قرار بود عکس‌های بچه‌ها را ببینیم باید در گالری‌های معروف شهر بیاورند و اجرایی کنند. الان مثلاً در حوزه هنری چند بار این کار انجام شد. ترس و دلهره‌ای که بچه‌ها برای برگزاری نمایشگاه دارند از همین الان از بین می‌رود. الان دانش‌آموزانی دارم که سال گذشته در نمایشگاه بودند و از الان وقت گرفتند برای نمایشگاه عکس‌های خودشان که به‌طور شخصی برگزار می‌شود. خودمان سر کلاس خیلی دانش‌آموزان را ترغیب می‌کنیم که نمایشگاه بزنند.

وقتی نمایشگاه برگزار شد، صداسیما با همه مصاحبه کرد که در اخبار پخش شد. خود بچه‌ها در همه کار از طراحی پوستر و تبلیغات گرفته تا دعوت‌ها همکاری داشتند. برای چاپ عکس‌هایشان آن‌ها را راهنمایی کردم که در چه اندازه و کجا چاپ کنند. الان اگر خودشان هم بخواهند نمایشگاه بزنند روند کار را می‌دانند و دیگر نیازی به این نیست که

بارها شده است که کلاس‌های کارگاهی ما زنگ خورده و دانش‌آموزان باید به خانه بروند اما بیشتر آن‌ها می‌خواهند کارشان را تمام کنند و بعد به خانه بروند. هنوز در کلاس حضور دارند. علاقه‌ای برای این کار وجود دارد که فکر می‌کنم باز به خود معلمان بازمی‌گردد.

در بحث تخصصی بودن معلمان نظر من این است که در دوره اول متوسطه معلم باید اطلاعات کافی از هنر داشته باشد تا بتواند دانش‌آموز را با هنرهای مختلف آشنا کند. در زمینه موسیقی در کتاب‌ها محتوای درسی چندانی نداریم در کتاب پایه دهم خوشبختانه به این زمینه توجه شده است. باید اطلاعات عمومی به دانش‌آموز داده شود تا درست انتخاب کند.

در دوره بالاتر یعنی دوره متوسطه دوم و هنرستان طرف دیگر بچربد. ضمن اینکه خیلی مسائل در بقیه هنرها وجود دارد ولی باهم در ارتباط هستند. بحث میانی هنرهای تجسمی در همه هنرها وجود دارد و فرقی نمی‌کند معلم در کدام رشته تخصص داشته باشد.

کسی راهنمایی‌شان کند. دانش‌آموزی داشتیم که از اطراف یزد و از روستا می‌آمد. وقتی اول سال درباره این کار برایش توضیح دادم گفت پدر بزرگ من شعر می‌گوید. ترغیبش کردم و همان شعرها را به صورت مجموعه کتاب درآورد. نه اینکه چاپ کند اما تا مرحله‌ای پیش برد که اگر کتاب را ببینید آن را به عنوان کتاب چاپ شده قبول می‌کنید.

به نظر من انگیزه دادن به دانش‌آموزان خیلی مهم است. به شکل‌های مختلف باید این انگیزه داده شود و بهتر است کاربردی باشد. اگر قرار است چیزی یاد بگیرند در همین مراحل باید بیاموزند. چون دانش‌آموزان کار خود را می‌بینند که در جایی نمود پیدا می‌کند و تأثیر زیادی دارد. من مطمئن هستم اگر این کارها در دوره متوسطه اول انجام شود میل و رغبت بچه‌ها برای انتخاب رشته‌های هنری خیلی بیشتر خواهد شد.

ما می‌دانیم دانش‌آموزان از معلم قوی بیشتر یاد می‌گیرند تا معلم ضعیف. این معلم باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟



سعید زندی مقدم مدیر هنرستان خائری ناحیه دو



ما می‌کشیم کلاس را برای دانش‌آموزان جذاب کنیم. مثلاً بچه‌ها ظرف رنگ و آب می‌آورند. برای شستن ظرف آب نیاز به اجازه گرفتن ندارند خودشان بیرون می‌روند و کار خود را انجام می‌دهند

یعنی از معلم هنرمند آرام‌آرام به هنرمند معلم برسیم؟
* سعید زندی مقدم * بله. دقیقاً همین است.

* مهدی حمیدیان * ۲۱ سال سابقه تدریس هنر را دارم. الان هم متوسطه دوره اول را تدریس می‌کنم. دوستان مطالب زیادی گفتند، به نظر من چیزی که خیلی مهم است بحث ارزشیابی است. الان بچه‌ها روی این بحث خیلی حساس هستند. یعنی دائماً باید با بچه‌ها بابت نمره دادن سروکله بزنیم. بحث مهمی در فرهنگ و هنر است که ارزشیابی توصیفی شود. نمره داده نشود. بچه‌ها

* سعید زندی مقدم * ما همین بحث را در کلاس مطرح می‌کنیم و می‌گوییم هنر محدودیت ندارد. کلاس هنر مثل کلاس ریاضی و فیزیک و ... نیست که همه ساکت بنشینند و معلم درس دهد و قواعد بیان شود. اگر این چنین باشد قطعاً هیچ فایده‌ای ندارد.

ما می‌کشیم کلاس را برای دانش‌آموزان جذاب کنیم. مثلاً در کلاس‌های کارگاهی که برای دانش‌آموزان برگزار می‌کنیم، بچه‌ها ظرف رنگ و آب می‌آورند. برای شستن ظرف آب نیاز به اجازه گرفتن ندارند خودشان بیرون می‌روند و کار خود را انجام می‌دهند. این برای بچه‌ها جا افتاده است که از این آزادی سوءاستفاده نکنند.



مسعود اردیان دبیر فرهنگ و هنر ناحیه دو

دوره اول
دبیرستان
بیشترین هدف
این است
که بچه‌ها
علاقه‌مند شوند.
تخصصی شدن
برای مرحله
بعدی است

قشنگ‌ترین خاطره تربیتی و هنری از کلاس خودتان که طی آن تغییر رفتار بچه‌ها را در تدریس هنر دیده‌اید برای ما بیان کنید.

✱ **مسعود اردیان** من از همه کم‌تجربه‌تر هستم. رشته من هنر است و ۱۵ سال سابقه تدریس دارم. من فکر می‌کنم این کتاب نسبت به کتاب قبلی خیلی بهتر شده است. کتاب قبل فقط بحث خط و نقاشی بود. به بحث خلاقیت توجه نداشت. صرفاً آموزش بود. البته در کتاب جدید هم وقتی خلاقیت را بررسی می‌کنیم همانند خود واژه هنر اندکی نامفهوم است. نمی‌توان دقیق گفت خلاقیت چه معنای دقیق و مشخصی دارد! آنچه ما به‌عنوان خلاقیت می‌شناسیم این است که خلاقیت یک فکر جدید یا رسیدن از یک چیز به یک چیز جدید است. مثلاً وقتی تلفن داشتیم، پدید آمدن موبایل یک خلاقیت و ابتکار بود. این کتاب هم در اکثر درس‌ها به نوعی همواره از معلم می‌خواهد خیلی روی خود مهارت طراحی و ... تأکید نکند.

من به بچه‌ها می‌گویم درس ما بحث تفکر هم هست. من وقتی به شما تمرین می‌دهم در محیط مدرسه و در مسیر و در خیابان وسایل را نگاه کنید. اینکه گل را به یک شیء کاربردی تبدیل کنید. در تعریفی که از خلاقیت می‌شود کاربرد خیلی مهم است. مثلاً از دور مجسمه‌ای از یک حیوان می‌بینیم، اما وقتی نزدیک به آن می‌شویم می‌فهمیم که یک قفل به شکل پرند است.

کتاب این بحث کاربردی بودن را خیلی تأکید می‌کند. من هم سعی می‌کنم همانند برخی از معلمان نکات کلیدی را بیان کنم و روی فکر کردن بچه‌ها تأکید کنم. کار این نیست که در خانه بنشینید و جلوی خود یک مدل قرار دهید و طراحی کنید. باید فکر کنید و ببینید چگونه می‌توانید از یک چیز به چیز دیگر برسید.

این روش را که به‌خوبی معرفی می‌کنید در عمل خروجی آن چه بوده است؟ بچه‌ها واقعاً به تفکر بیشتر وادار شدند؟

✱ **مسعود اردیان** در مدارس خاص چون بچه‌ها آمادگی بیشتری دارند و به هنر اهمیت می‌دهند کارهای خیلی خوبی می‌بینیم. من فکر می‌کنم در دوره اول دبیرستان بیشترین هدف این است که بچه‌ها علاقه‌مند شوند. تخصصی شدن برای مرحله بعدی است.

فضای درس هنر هم اصولاً مستعد شلوغی و بی‌نظمی است. مخصوصاً اگر من معلمی باشم که

جوری بار آمده‌اند که دائماً دنبال نمره‌اند. تازه به کمتر از ۲۰ هم راضی نیستند.

این واقعاً مهم است. از دوستانی که تدریس می‌کنند بپرسید قطعاً این بحث یک زمانی این‌ها را اذیت می‌کند و گاهی اجازه کار کردن به معلم را نمی‌دهد و کار جلو نمی‌رود. از همان روز اول که بچه‌ها می‌آیند دنبال نمره هستند.

بحث دوم درباره محوریت کتاب فرهنگ و هنر است. من هم کتاب قبلی و هم این کتاب را تدریس کرده‌ام. در کتاب جدید فکر می‌کنم محوریت روی دانش‌آموز است. یعنی نقش دانش‌آموزان بیشتر از معلم و پررنگ‌تر است.

به هنرهای آوایی خیلی برخورد نکردید؟

✱ **مهدی حمیدیان** از صفر تا صد این مبحث را مشکل داریم. آقای امیر احمدی کلاس‌هایی گذاشتند که بیشتر بحث طراحی و خوشنویسی بود. خوشنویسی هم کم‌رنگ بود. کارهای پایه‌ای که باید می‌شد انجام نشد. کسانی هم که در تهران دوره دیده بودند تا برای تدریس به معلمان آماده شوند به این بحث‌ها که می‌رسیدند واقعاً کار نکرده بودند. آقای امیر احمدی فکر می‌کنم تنها دو جلسه هنرهای آوایی را کار کردند.

از این خلأ عبور می‌کنید؟

✱ **مهدی حمیدیان** خیر. در دو جلسه‌ای که آقای امیر احمدی داشتند، چیزهایی کار شد که جنبه نوشتاری دارند. برای بچه‌ها فایل‌های صوتی می‌گذاریم. من توفیق آن را داشتم که کنار آقای امیر احمدی از کلاس خانه سرود بهره‌مند شوم. دبیران هنر بیشتر به این کلاس‌ها می‌آیند.

به نظر شما، برای معلم هنر داشتن تکنیک بالا ضروری‌تر است یا منش هنری بالا؟

✱ **مهدی حمیدیان** این همانند قضیه «آموزش و پرورش» است. از هم جدا نیستند. یک جایی منش والا خوب است و در جای دیگر تکنیک مهم است. معلمی که از نظر سواد هنری پایین است خیلی نمی‌تواند کار خود را خوب پیش ببرد. در کنار این، اخلاق معلم خیلی مهم است. خیلی فرق می‌کند که ما با یک صورت خندان در کلاس حاضر شویم تا با چهره عبوس پا به کلاس بگذاریم. اگر عبوس وارد کلاس شویم، به قول یزدی‌ها، مثل این است که انار ترشیده به پیشانی بچه‌ها زده‌ایم!

یک سؤال عمومی می‌خواهم بپرسم.



محمد حسن ابونوی دبیر فرهنگ و هنر شهرستان مهریز و استاد هنرهای نمایشی (نمایش عروسکی)

حاصل تجربه
من در چند
سال اخیر که
اگر وقت داشته
باشم آن را کامل
می‌کنم، این
است که فعالیت
عروسک‌گردانی
را با سرود
همگانی تلفیق
کردم. ما همیشه
در مدارس
سرود همگانی
داشته‌ایم

اخلاق بد داشته باشم از همان ابتدا به این شلوغی میدان می‌دهم و خلاقیت را از بین می‌برم.

باید اجازه این شلوغی داده شود؟

✳ مسعود اردیان مسعود اردیان: نه، منظورم این نیست که اجازه شلوغی داده شود. می‌خواهم بگویم کار معلم هنر خیلی سخت است. در عین حال که باید فضایی باشد که راحت صحبت کنند یا وقتی در حد کلاس کسل‌کننده نباشد و شوخی‌هایی انجام شود و فضای کلاس به هم نریزد. اگر این‌گونه نباشد خلاقیت و نوآوری شکل نمی‌گیرد. در دروس دیگر شاید سختی کار به این اندازه نباشد.

شما نقش مدیر مدرسه را در درس هنر چطور می‌بینید؟

✳ مسعود اردیان این نقش حتماً مهم است. من فکر می‌کنم برای همه درس‌ها به خصوص برای درس هنر همکاری مدیر اهمیت دارد. برخی مدیران برای درس هنر ارزشی قائل نیستند، و برعکس، برخی مدیران ساعات هنر را برای دیگر درس‌ها به حراج نمی‌گذارند. همین‌طور برخی مدیران هم برنامه اردو یا برنامه تفریحی و آموزشی را سعی می‌کنند در روزی قرار دهند که ساعت درس هنر است.

اگر مدیر فضایی ایجاد کند و اجازه دهد به این درس بها داده شود خیلی اهمیت دارد. مثلاً در برخی درس‌ها اجازه بدهد بیرون از مدرسه برویم. برای درس عکاسی برخی از همکاران ما دانش‌آموزان را به مسجد جامع و باغ دولت‌آباد بردند. در آنجا هر عکسی که بگیرد زیبایی خاص خود را دارد. در درس هشتم درسی به نام زاویه دید است که در آموزش عکاسی خیلی اهمیت دارد.

همواره از روبه‌رو می‌ایستیم و عکس می‌گیریم ولی چندان جذابیتهای ندارد. اما وقتی زاویه دید را عوض کنیم، حتی یک میله ساده در عکس جاذبه پیدا می‌کند. از درخت به جای اینکه از روبه‌رو عکس بگیرند از پایین عکاسی کنند؛ یا حتی دوربین را روی زمین قرار دهند و از کف حیاط مدرسه عکاسی کنند. در نتیجه عکس‌هایشان زیباتر می‌شود.

متفاوت دیدن مدنظر شما است؟

✳ مسعود اردیان بله! برای خود من این هم عکاسی بچه‌ها بسیار جذاب بود. زاویه دید عکس‌ها را می‌تواند جذاب کند.

✳ محمد حسن ابونوی دبیر هنر شهرستان مهریز هستم. ۱۸-۱۷ سال است که هنر تدریس می‌کنم. از آخرین سؤالی که درباره نقش مدیران پرسیدید شروع کنم. اتفاقی که در شهرستان مهریز ما افتاده این است که مدیران باید حتماً ۸-۶ ساعت هنر تدریس کنند. در مدرسه ما ۱۴ ساعت هنر داریم و ۶ ساعت را من تدریس می‌کنم و بقیه را مدیر و معاون تدریس می‌کنند!

من هنرهای تجسمی خوانده‌ام و حدود ۱۰ سالی است که در هنرهای نمایشی فعالیت دارم. نگاه خود من به هنرهای نمایشی همان بحث خلاقیت‌محوری بوده است و ما با حداقل امکانات موجود در مدرسه یک کار نمایشی را اجرا می‌کنیم. درس هنرهای نمایشی تنها هنری است که در آن از همه هنرها استفاده می‌شود تا نهایتاً در خدمت تئاتر قرار می‌گیرد و کار اجرایی می‌شود.

متأسفانه این درس در اواخر کتاب قرار داده شده، و جالب است که در یک پایه به این درس ۵ صفحه و در یک پایه دیگر فقط ۴ صفحه اختصاص داده‌اند. نگاه بچه‌ها به تئاتر این است که فانتری است. اگر بخواهیم بخش گفت‌وگو و ادبیات نمایشی را پیش ببریم بچه‌ها می‌گویند اینجا کلاس ادبیات می‌شود. من نمی‌دانم با چه رویکردی این هنر را در کتاب این‌گونه قرار دادند که فقط در ۴ صفحه بحث کارگردانی و دکور و عوامل صحنه و ... را طرح کرده‌اند.

بیشترین کاری که با بچه‌ها در بحث هنرهای نمایشی داشتیم بحث تئاتر عروسکی بود. بیشتر بچه‌ها گرایش به کارهای فانتری دارند. در ذهن همه ما همواره عروسک یک شیء جذاب است. شما می‌دانید که یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران کلاه قرمزی، یعنی یک فیلم عروسکی، است. هر کشور دیگری را هم ببینید یک شخصیت عروسکی دارد که جایگاه خود را به دست آورده است.

ما با توجه به اینکه بچه‌ها به عروسک خیلی علاقه دارند، به این مقوله پرداختیم. چند روز پیش ساخت عروسک را شروع کردیم. بخش هنرهای نمایشی را از طریق ساخت عروسک نمایشی جلو برده‌ام و نتیجه خیلی خوبی هم به دست آمد. بخش هنرهای نمایشی را، که قرار است چند ماه دیگر به‌طور جدی وارد آن شویم، از ابتدا از طریق ساخت عروسک‌های نمایشی شروع می‌کنیم که برای آن‌ها جذاب است. وقتی وارد گفت‌وگوی نمایشی شدیم از همین عروسک‌ها استفاده می‌شود.

برای خود من هم جالب است که بدانم «جناب خان» در برنامه خندوانه چطور تکان می خورد. بحث عروسک گردانی همیشه این جاذبه را دارد.

✱ **محمدحسن ابویی** حاصل تجربه من در چند سال اخیر که اگر وقت داشته باشم آن را کامل می کنم، این است که فعالیت عروسک گردانی را با سرود همگانی تلفیق کردم. ما همیشه در مدارس سرود همگانی داشته ایم. من برای اینکه بچه ها با شخصیت حاجی فیروز آشنا شوند، خواستم با مواد بازیافتی عروسک درست کنند. ۴ سال پیش این کار را انجام دادم و دو تجربه متفاوت به دست آوردم. ۱۸۰ نفر دانش آموز مدرسه این عروسک را درست کردند. کمتر از هزار تومان هزینه هر عروسک شد و آن هم برای پارچه لباس بود که برخی خریداری کردند. وقتی عروسک ها را به مدرسه آوردند ما از شعرها و آهنگ هایی که در ایام نوروز استفاده می شود استفاده کردیم و بچه ها دسته جمعی یک نمایش عروسکی ۱۸۰ نفری را اجرا کردند. روز شاد

نمایشی را کار کردم و به آن دانش آموز هم نقش دادم و او بازی کرد. الان به قدری خود را باور کرده که از لحاظ شخصیتی خیلی متفاوت شده است!

اسم دانش آموز چه بود؟

✱ **محمدحسن ابویی** محمدجواد آخوندی بود. الان هم دانش آموز سال دهم رشته کامپیوتر است. بعد از آن هم این دانش آموز در جشنواره تئاتر معلولین شرکت کرد و در مشهد رتبه سوم کشوری را گرفت. از ۳۵ دقیقه نمایش ما این بچه فقط ۴ دقیقه بازی داشت و همین باعث شد نمایش ما توسط یکی از داوران به تهران دعوت شود. در آن شب اول عموهای فیتیله ای را دعوت کردند که برای افتتاحیه کار بود. شب سوم هم خانم معتمدآریا دعوت شدند و کار بچه ها را دیدند. دل پاکی که این بچه داشت موجب شد که این چنین بالا رود. این بچه می خواست به رشته کامپیوتر برود ولی در هنرستان ما کلاس در طبقات بالا قرار داشت و برای مسئولان هم مقدور نبود که



امیر احمدی دبیر فرهنگ و هنر ناحیه دو و موزیسین

خوشبختانه
کتاب جدید با
رویکردی که
دارد دست معلم
را باز می گذارد
تا بتواند فارغ
از اهداف صرف
آموزشی به مقوله
هنر بپردازد



و متفاوتی بود. شاید به این سادگی کسی از معلم هنر یاد نکنند ولی هنوز بچه ها آن روز را به یاد دارند و از آن تعریف می کنند.

در بخش خاطره هم بگویم، ما دانش آموز معلولی در مدرسه داشتیم که از کمر به پایین معلول بود. او در یک ماه به سوپرستار تئاتر معلولین استان یزد تبدیل شد. چطور؟ این دانش آموز در کلاس به خوبی نمی توانست قلم را در دست بگیرد. کلاس های ورزش هم نمی توانست برود. نماز هم نمی توانست برود. من همواره به این فکر بودم که در جایی از او استفاده کنم. روزی احساس کردم فیزیک بدنی این دانش آموز برای بازی نقش موش در نمایش خوب است. دنبال این بودم تا اینکه متن نمایشنامه ای را پیدا کردم که برای این کار مناسب بود. روزی شنیدم که جشنواره تئاتر معلولین برگزار می شود.

کل رشته را به طبقه پایین بیاورند اما اجرایی که آنجا داشتیم به قدری مؤثر بود که فرماندار شهرستان برای افتتاحیه به تهران آمد و همان جا برنامه ای ریختیم و از ایشان قول گرفتیم که کل کلاس کامپیوتر را به خاطر این دانش آموز به طبقه پایین آوردند و محمدجواد آخوندی در رشته مورد علاقه خود ادامه تحصیل داد.

✱ **امیر احمدی**

با توجه به تجربه ای که از کتاب گذشته داشتیم و با تمام سعی ای که خود من می کردم تا بچه ها را علاقه مند به درس هنر کنم، ولی این قدر این کتاب آموزش محور و سیستمی بود که تنها این رویکرد را داشت که دانش آموز ما یک طراح و نقاش و خوشنویس شود. آن هم با رویکردی که تنها در هنرستان می توانستیم پیاده کنیم.



ولی رهبر رئیس انجمن معلمان هنر استان و خوشنویس

محور کار معلم
سه چیز است.
تخصص، تعهد
و محبت. یک
دست معلم باید
دست رحمت
باشد و هم نگاه
پدرانه داشته
باشد

خوشبختانه کتاب جدید با رویکردی که دارد دست معلم را باز می‌گذارد تا بتواند فارغ از اهداف صرف آموزشی به مقوله هنر بپردازد. من سعی می‌کنم در جلسات اول بچه‌ها را با این مسئله آشنا کنم که هدف ما این نیست که آن‌ها را هنرمند کنیم. نه می‌خواهیم نقاش و نه طراح و نه عکاس شوند بلکه می‌خواهیم در آینده بچه‌ها بتوانند از قالب هنری برای بهتر دیدن و بهتر شدن در هر زمینه‌ای استفاده کنند.

همیشه به بچه‌ها می‌گویم اگر می‌خواهید در بزرگسالی و در میان‌سالی و پیری مشکل خاصی از نظر جسمی نداشته باشید باید تغذیه مناسب در زمان خوب داشته باشید. ورزش کنید یا هر کاری که به جسم شما کمک کند. همین مقوله را در قالب هنر باید به دست بیاوریم.

اگر می‌خواهیم وارد عرصه تولید کار شویم، ایده خوب در تولید کار داشته باشیم باید خلاق و نوآور باشیم. جوامع پیشرفته را با جامعه خودمان مقایسه می‌کنم. با اینکه از لحاظ هوش می‌بالیم که یک ایرانی هستیم اما چرا در برخی عرصه‌ها نمی‌توانیم عرض اندام کنیم. در بحث فرش و زعفران در دنیا حرف اول را می‌زنیم اما رقیب می‌آیند و گوی سبقت را از ما می‌ربایند.

بچه‌ها با هم بحث می‌کنند و به این نتیجه می‌رسیم که اگر ما از هنر برای بهتر شدن استفاده کنیم پزشک و مهندس و ... بهتری خواهیم شد. تمام این نواقص می‌تواند از زاویه دید هنرمند دیده شود و برطرف شود. وقتی بچه‌ها به این باور می‌رسند که تنها هنر می‌تواند این‌ها را به این سو سوق دهد اهمیت درس هنر را درک می‌کنند.

در نهایت تولید اثر هنری باقی می‌ماند که آن هم شرایط دارد. باید کاری کنیم بچه‌ها در تولید هم موفق شوند. من چند تجربه در کارم دارم.

تجربه‌ای که قبلاً در تربیت معلم با آقای علامه دهر کار کرده بودیم. ایشان در شیراز استاد من بودند. ایشان خوشنویس بودند و می‌گفتند با قلم و نی نوشتن و با مرکب سر کلاس و روی دسته صندلی شاید بچه‌ها را سرخورده کند چون نتیجه نمی‌گیرند. از کارهای مختلف اعم از نقاشی خط و گرافیک و ... می‌توان استفاده کرد.

یکی از روش‌ها این بود که کار استادان را در کاغذ کپی و پیاده می‌کردند و با تلاش یک اثر هنری را خلق می‌شد. این را تولید کردند اما خط یک استاد بود. با این روش خیلی علاقه‌مند شدند و از خوشنویسی خوششان آمد.

در بحث عکاسی اگر بچه‌ها به این باور برسند که می‌توانند، با شرایط روز، هر کدام یک عکاس باشند، قطعاً علاقه‌مند می‌شوند. پارسال و سال قبل از آن بچه‌ها عکس‌هایی گرفتند که قاب کردیم و خواستیم نمایشگاه بگذاریم اما چون مدرسه می‌خواست ما کارها را روی یک میز بریزیم و بگوییم نمایشگاه است من قبول نکردم.

من با اینکه در زمینه عکاسی خودم خیلی مهارت ندارم اما توانستم این علاقه را در این دانش‌آموزان ایجاد کنم طوری که حالا که از مدرسه فارغ‌التحصیل شده‌اند باز هم برایم عکس ارسال می‌کنند. من فکر می‌کنم معلم باید جرقه را ایجاد کند و اهمیت هنر را به بچه‌ها گوشزد کند و کاری کند که بچه‌ها به تولید برسند.

اینکه فقط صحبت کنیم اثربخش نخواهد بود. اگر بچه‌ها به نتیجه دلخواه نرسند قطعاً زده می‌شوند. باید کمک کنیم در مسیری قرار گیرند که بتوانند حتماً یک اثر هنری خوب را خلق کنند.

ولی رهبر من فکر می‌کنم اگر بخواهیم مهارت‌های تدریس یک معلم را بگوییم بالغ بر ۳۰-۴۰ مورد می‌شود که می‌تواند به تدریس کمک کند. من نه می‌گویم کتاب بد است و نه می‌گویم مطلق خوب است، ولی همیشه یاد گرفته‌ام برای آنچه یک مجموعه می‌نشیند برنامه‌ریزی می‌کند احترام قائل باشم. این به خود من کمک می‌کند که بخواهم کار کنم.

طبیعی است شیوه‌ای که خانم‌ها در مدارس در وادی هنر کار می‌کنند با آقایان خیلی متفاوت است. هفته گذشته بحث پاکت را در پایه نهم داشتم. چند نمونه پاکت به بچه‌ها نشان دادم و از بچه‌ها خواستم آن‌ها هم درست کنند. یکی از بچه‌ها چیز خوبی درست کرده بود که رفقایش پاره کردند!

چیزی که مرا خوشحال می‌کند این است که در کنار همکاران هستیم. واقعاً در مجموعه‌ای کار می‌کنیم که هم معلمان علاقه‌مند به یادگیری هستند و هم توان خود را در یاد دادن به کار می‌گیرند.

شاهد من در این ماجرا این است که از وقتی انجمن هنر استان شروع شد رتبه هنر کنکور دانش‌آموزان تاکنون حول عدد ۱۹ و ۲۰ دور می‌زده است. در چند سال گذشته رتبه اول کنکور هنر را داریم. هنر اول بوده یا جزو ۵ نفر اول بوده است. «جشنواره دست‌های کوچک اما اندیشه‌های بزرگ» یادگار خوبی بود که حرکت‌های خوبی در این زمینه انجام شد.



مهدی تقی پور معاون هنرستان
حافزی ناحیه دو

نویسندگان
کتاب‌ها نگاه
خوبی داشته‌اند
و مجموعه‌ای از
همه هنرها را در
کتاب آورده‌اند.
یکی از محاسن
آن این است
که نویسندگان
فرمانطقه‌ای نگاه
کرده و تنها یک
منطقه را مدنظر
نگرفته‌اند

زحمت زیادی برای آن کتاب کشیده شد و نسلی را هم پرورش داد ولی با توجه به رویکرد جدید جامعه ما و پیشرفت‌های مختلف و نگرش‌های جدید نیاز بود کتاب عوض شود. کتاب‌های جدید هم کتاب‌های خوبی هستند و البته معایبی هم دارند که مشخص است.

نویسندگان کتاب‌ها نگاه خوبی داشته‌اند و مجموعه‌ای از همه هنرها را در کتاب آورده‌اند. یکی از محاسن آن این است که نویسندگان فرمانطقه‌ای نگاه کرده و تنها یک منطقه را مدنظر نگرفته‌اند. دست معلمان را باز گذاشته‌اند تا در هر منطقه، با توجه به فرهنگ آن منطقه و امکانات هنری موجود کار کنند. مثلاً در منطقه‌ای معلم خوشنویس داشته‌اند و هنر خوشنویسی تدریس شده است و در منطقه‌ای دیگر به طراحی پرداخته‌اند. کتاب به انواع هنرها پرداخته است. در کتاب‌های دوره دوم هم بحث باید کاملاً تخصصی باشد.

به نظر من دبیران باید در متوسطه اول عمومی باشند و اگر رویکردی وجود دارد باید برای آموزش باشد. همان هنرهای تجسمی که در گذشته بود باید ادامه یابد. برای دوره متوسطه اول باید چنین باشد. اما برای متوسطه دوم تخصص‌های ویژه لازم است. مشکل ما این است که افزایش ساعات هنر داشته‌ایم اما افزایش معلم هنر نداشته‌ایم. در حالی که به راحتی و با چند شگرد ساده می‌توان این مشکل را رفع کرد.

در کل، کتاب‌های جدید به نظر من و به نظر همه دوستان کتاب بهتری است. برآیندی که از این کتاب داشتیم این بود که پاسخگوی نسل جدید ما در بسیاری از نیازها است. همان‌گونه که شاید یک فرد دستی برای نوشتن نداشته باشد و خوشنویس نشود ولی استعداد تئاتر را دارد. همین کتاب بود که باعث شد شاگرد معلول آقای محمدحسن ابویی به این‌جا برسد.

شاید فردی در آن گوشه کشور چشمی برای دیدن ندارد اما گوش شنوای خوبی دارد که در هنرهای آوایی و موسیقی می‌تواند بدرخشد. با همه کسری‌هایی که این کتاب دارد و جای کاری که وجود دارد، جا دارد از نویسندگان کتاب و از کسانی که تفکر اولیه را ایجاد کردند که کتاب‌ها باید عوض شوند تشکر شود.

از تک‌تک دوستان تشکر می‌کنم و مطالب بیان‌شده برای خود من قابل استفاده بود.

معلم محبوب هنر چه مؤلفه‌هایی باید داشته باشد؟

ولی رهبر محور کار معلم سه چیز است. تخصص، تعهد و محبت. یک دست معلم باید دست رحمت باشد و هم نگاه پدرا نه داشته باشد.

غنیمت مطلبی که گمان می‌کنم مطرح نشده این است که معلم هنر اولین چیزی که باید برای شاگرد خود مطرح کند این است که هدف هنر چیست. این هنر چه هدفی دارد و بعد تأثیر هنر را بگوید.

اولین چیز به نظر من این است که شاگرد بداند هنر چیست و چه هدفی دارد. همه دوستان هم گفتند که رسالت درس هنر این نیست که هنرمندپروری شود. اگر کسی قرار باشد هنرمند شود اگر مدرسه هم نیاید هنرمند می‌شود. هدف از درس هنر این است که اولاً به دانش‌آموزان بشناسانیم که هنر چیست. در این صورت آن‌ها اگر هر چیزی را در قالب هنر ببینند بهتر می‌بینند.

در مدارس ما مخصوصاً در دوره ابتدایی هنر کار نشده است. من یک روز به یکی از شاگردان که هنرستان رفته است گفتم شما تاکنون بیش از هزار ساعت هنر داشتید ولی واقعاً چه اندازه هنر روی شما تأثیر گذاشته است؟

اولین سؤال همین است. این تعداد ساعت درس هنر چه اندازه توانسته بچه‌ها را بسازد؟ اگر از این هزار ساعت، ۵۰ ساعت را به شناسایی هنر اختصاص دهید، نتیجه بهتری به دست می‌آید. همه درس‌های ما باید به این سو بروند. مثلاً اگر تاریخ را به قالب هنر بریزیم و تدریس کنیم کیفیت آموزش خیلی بهتر خواهد شد.

الان در آموزش و پرورش‌های پیش‌گام دیدگاهی رایج است که هنر را درس نمی‌دانند، بلکه آن را مقوله‌ای فرادرسی می‌دانند. هنر با این دیدی که دوستان توضیح دادند چیزی است که باید در همه درس‌ها جاری و ساری باشد. هنر در این معنا تقویت حس زیبایی‌شناسی و متفاوت دیدن است که دوستان به درستی اشاره کردند. باید این راه نکوبیده را با همت همکاران صاف کنیم.

تقی پور کتاب هنر قبل کتاب بسیار خوبی بود اما برای همان زمان گذشته خوب بود و